



J.A.M
MONTHELY



سرطان ۱۳۸۸ مطابق جولای ۲۰۰۹

صفحه اول سال دوم جام



در آستانه انتخابات

استاد محمود محبوبی

طوری که همگی ما و شما شاهد هستیم انتخابات شوراها ی ولایتی و ریاست جمهوری در شرف آغاز گردیدن است که کا ندیدان هردو بخش به گونه های مختلف درصدد جلب جذب آرای رای دهندگان می با شند. منی که یک آموزگار در دارالمعلمین عالی غورهستم می خواهم نظریات و برداشت های خود را در مورد دررشته تحریر در آورده وقضاوت را به خوانندگان محترم وا می گذارم .

قبل ازینکه در ارتباط کا ندیدان ریا ست جمهوری صحبت نمایم می خواهم راجع به کا ندیدان شورای ولایتی در این ولایت وارد صحبت شوم . تا جا ئیکه من معلومات دارم کا ندیدان شورای ولایتی در اینجا اکثرا متکی بر قوم و منطقه و ملیت بوده بدون در نظر داشت اهلیت و توانائی ، در صورتیکه وکیل صاحب فردا سمت و کالت را به عهده بگیرد برای سرنوشت آینده مردم چه اقدام خواهد نمود ؟ آیا به آرمانهای مردم پاسخ مثبت می دهد یا به فکر و جبران خسارات زمان کمپا ین خود بوده وبه ارزوی برآوردن خواب و خیال های شخصی اش می با شد ؟ ...ادامه صفحه (دوم)

گزیده اخبار ماه

- غورولایتی است که ۴۵ سال عمر دارد تاکنون حتی یک متر هم درین ولایت اسفالت نشده است ، مردم چطور باور مند خواهد شد که انکشاف متوازن در کشور عملی میشود این مطلب را سید محمد اقبال منیب والی غور طی یک محفل بیان نمود.
- موسسه CRS در عرصه های زراعت ، آبیاری و کمک های اضطراری در غور پروژه های عام المنفعه و طویل المدت را پیاده میکند.
- به منظور بررسی و ارزیابی از حوادث ناگوار قریه سوخته هیت حقیقت یاب لوی حاروالی جمهوری اسلامی افغانستان وارد شهر چنچران گردید.
- آقای منیب والی غور از اعزام نیروهای اردوی ملی و نیروهای ایساف در ایام برگزاری انتخابات از کابل به غور خبر داد.
- مسئول موسسه اوامر از تطبیق برنامه های ماین پاکی در ساحات مختلف از طریق آموزش عده از جوانان خبر داد.
- مقامات اداره محلی در غور از ازدیاد سلاح نزد افراد غیرمسئول نگران اند و خواهان تغییر تاکتیک جمع آوری اسلحه در پروسه دایاک شدند.
- محفل بزرگ و شاندار غرض وحدت و همبستگی مردم توسط موسسه IRI زون غرب و ارگان ملی و اجتماعی جوانان در حالیکه از تمام ولسوالی ها موی سفیدان و علما آن، والی غور، روسای ادارات ، جوانان و روشنفکران اشتراک داشتند در غور برگزار گردید... ادامه اخبار در صفحه (دوم)

دوست رئیس

سیلاب

همدیگر را زیاد دوست داشتیم ، گاه اوقات مارا بشوخی لیلی ومجنون صدامیکردند ، وقتی باهم بودیم - که همیشه چنین بود - در رابطه به آینده ، دست آوردها ، مشکلات ومسایل خصوصی صحبت میکردیم وراز دل می گفتیم.

آن قدر باهم نزدیک بودیم که حتا اگر روزی می گذشت ویکی از ما دیگری را نمی دیدخیلی دق می شد وشب خوابش نمی برد.

آب ودانه کنده شدومن با تمام علاقه که به اوداشتم ناچار شدم که ترکش کنم وروزگاری را در مسافرت سپری نمایم . در عالم غربت هم هر جا، می رفتم خاطرات او همراهم بود . خیلی دلم برایش تنگ شده بود وفراق او بسیار آزارم میداد.

میگویند آدمی مرغ بی بال است ومن سرانجام بعد از مدتی دوباره برگشتم . فردای آن روز خواستم به دیدن دوستم بروم واحوالی از او بگیرم . موتر سیکل مودل سابقم را از دهلیز بیرون کردم وسرپایه استادش نمودم - لینگ جراب سه شیره ی کهنه ای که پیشرویم بود برداشتم وگردوغبارش را دستی کشیدم . همان طور که سرپایه ایستاده بود شورش دادم ، الحمدالله کمی تیل داشت ، خوشحال شدم . در حالی که دستم به شاخ سیکل بود به اتاق صدا زد: نسرین بچیم ... ادامه به صفحه (سوم)

نقش نهادهای

فرهنگی ومدنی

گل احمد عثمانی

تمام نهادهای مدنی ومراکز فرهنگی کشور ما افغانستان به علت سه دهه بحران وجنگ های ویران کن ومداخلات بیرونی مطابق سیاست های پلان شده بیگانگان تخریب وزیربنای اقتصادی آن معدوم وکدرهای تخصصی اهل قلم ، فرهنگ وهنر که در راستای امور مدنی وفرهنگی فعالیت داشتند قربانی اهداف شوم مداخله گران ، اجنت های بیگانگان وانحصار گران قدرت شدند وبزرگترین وناب ترین سرمایه واقعی ملت وکشور که همانا قلم بدستان ، دانشمندان وفعالان حقوق انسانی ، مدنی واجتماعی بودند از دست شد. فرهنگیان ،نخبه گان ودست اندر کاران امور مدنی بیش از همه در قبال اوضاع واحوال اجتماعی ،سیاسی ،فرهنگی واقتصادی مملکت خویش مسولیت دارند بنابراین ضرورت مبرم ، امروز باید مطالعات وآگاهی های لازم راهمه فرهیخته گان عزیز از طریق بنیادهای فرهنگی ومدنی فعال وامثال آن توسط هماهنگی صادقانه دراوقات مختلف پیرامون وضعیت گوناگون کشور، جامعه وسیاست های جهانی مربوط به آن حاصل نمایند...بقیه در صفحه (سوم)

گزیده اخبار...

در آستانه انتخابات...

به هر حال ما همگی رأی دهندگان و رأی گیرندگان اندکی با خود و مردم خود و وجدان خود توجه توجه عمیق نموده کسی کاندید شده و با کسی رأی بدهیم که تنها به فکر شخصی خود نبوده بلکه به امور عامه نیز توجه داشته و به حد توان خود نمایندگی مردم را کرده بتواند .

از جانب دیگر می بینیم که سعی و تلاشهای در ارتباط کاندیدان ریاست جمهوری جریان دارد که یک تعداد کسان بخاطر بدست آوردن ما دیات و خوش خدمتی بدون در نظر داشت سرنوشت آینده مردم کمپاین می نمایند . وعده دیگر هم ظاهراً محفل های را بخاطر کاندید رئیس جمهور آینده به راه انداخته و تبادل نظر می نمایند ، اگر واقعا طوریکه گفته می شود عمل صورت بگیرد برای آینده مردم مفید خواهد بود . که نظر من هم در ارتباط رئیس جمهور آینده که در مورد توجه ودقت صورت گیرد که کدام شخص چانس برنده شدن را اضافه تر دارد و آن هر کس که باشد تا تجارب تلخ گذشته تکرار نشده از مسیر ترکستان بر گردیم . طوریکه گفته می شود عموماً بطور دسته جمعی از شخص مورد نظر حمایت و پشتیبانی نموده و خواستههای خود را در ارتباط بهبودی آینده این ولایت به تمام ابعاد آن با کاندید مورد نظر در میان گذاشته و راجع به مواد مطرح شده تعهد اخذ گردد.

در اخیر امید وارم که در این مسیر عموماً هما هنگ بوده تا نتیجه مثبت در قبال داشته باشد .

مژده !

به اطلاع تمام باشندگان ولایت غوروسیلتا خبر داده میشود که قرار است بتاريخ ۱۳ سرطان سال جاری کمپاین تطبیق واکسین سرخکان به تمام ساحات ولایت غور نزد اطفال واجد شرایط (بین سنین ۹ ماهه الی سه ساله) از طرف آمریت معافیت کتلوی ریاست صحت عامه غور بکمک مالی یونیسف و سازمان صحتی جهان آغاز گردد. این کمپاین برای مدت شش روز ادامه دارد. تیم های واکسینا سیون در مساجد و یا در کدام موقعیت مناسب که همه اطفال مورد نظر دسترسی داشته باشند . بخاطر تطبیق واکسین جلسات را غرض تطبیق واکسین دایر مینمایند. بناءً از تمام والدین گرامی تقاضا به عمل میآید که تماماً اطفال واجد شرایط خویش را در روزهای کمپاین نزد تیم های واکسینا سیون برده و در مقابل این مرض خطر ناک و کشنده واکسین نمایند. با استفاده از این فرصت اکیداً از تمام والدین گرامی خواهشمندیم که همه اطفال زیر دوسال خویش را در مقابل هشت مرض کشنده دوران طفولیت (توبرکلوز، خروسک، سیاه سرفه، تیتانوس، زردی سیاه، انفلوانزا انواع بی آن، سرخکان، و فلج اطفال) در مراکز صحتی که دسترسی دارند نیز واکسین نمایند.

آیا بند برق پوزه لیج و سرک داخل شهر چغچران ساخته خواهد شد؟

محي الدين سروش

همان قسمیکه ساختن بند برق پوزه لیج و اسفالت کردن داخل شهر چغچران یکی از آرزوی های عمده و دیرینه مردم غور میباشد. به همین خاطر هر والی و نماینده بلند پایه دولتی که از کابل به غور می آید برای اینکه مردم غور را خوش سازند از ساختن بند برق و اسفالت سرک شهر سخن خود را آغاز میکنند چنانچه مردم غور آماده شده اند که اگر آقای کرزی وعده ساختن بند برق و سرک پخته را دوباره به غور تعهد نکند مردم غور آماده نیستند رای خود به آن بدهند زیرا که مردم غور همه محرومیت ها را (محرومیت سیاسی ، اجتماعی ، بازسازی ، و فرهنگی) را به کلی به گوشت و استخوان حس کرده اند و امید که به تصمیم ملی و عموم که به خیر غور میباشد پابندی کرده و کرزی صاحب هم همانند رئیس جمهور همه ملت در درونج مردم غور رانیز درک نماید.

تیم PRT با اشتراک در تجلیل از روز معلم از مکاتب نیز دیدن به عمل آورد:



در محفل تجلیل از روز معلم ضمن قدردانی از زحمات بی شایان معلمین و نقش والای شان در راستای آموزش و پرورش از ۱۵۰ تن معلم نیز قدردانی به عمل آمد ، چگرن اسپیشوس از تیم PRT مقیم ولایت غور که درین محفل اشتراک داشتند همراه با قدردانی از روز خجسته معلم وعده دادند که PRT به کمک های خود به مکاتب ادامه خواهند داد.

تیم PRT به همکاری های موفقانه خود همراه با پولیس ملی ادامه میدهد:

PRT اخیراً یک برنامه آموزشی دیگر را برای پولیس ملی راه اندازی نمود ، آنها در این روز به سربازان پولیس ملی آموزش داده شد که چگونه میتوانند یک محل تلاشی را ایجاد نمایند.

نماینده های کشور جاپان در ولایت غور:

بیرق کشور جاپان به کمپ تیم PRT به رهبری کشور لیتوانیا برافراشته شد که نشان دهنده یک کشور جدید است ، و به مردم ولایت غور کمک و همکاری خواهند کرد آقای جینز سکرتر اول سفارت جاپان در کابل که مسئول تطبیق پروژه های جاپانی میباشد اظهار داشت که کشور جاپان در راستای بازسازی و تامین ثبات در غور که بعد از تحلیل و ارزیابی زیاد بنا بر فقیر بودن و عقب مانده بودن غور نسبت به سایر ولایات افغانستان انتخاب شده است به همین اساس برای کشور جاپان بسیار اهمیت دارد تا کمک های انسان دوستانه را با هماهنگی که بین کشور جاپان و لیتوانیا از سال ۲۰۰۴ تا کنون ادامه دارد از طریق PRT به این مردم رسانده و اهدا نمائیم .

از روز بین المللی قابله ها طی محفل باشکوه تجلیل به عمل آمد:

در محفل که توسط ریاست صحت عامه به همکاری موسسه ورلدویژن و انجمن قابله های غور به شفاخانه ولایتی برگزار گردیده بود ضمن ارج گذاری و با اهمیت دانستن جایگاه قابله ها در جامعه تقدیرنامه های نیز از طرف ریاست صحت عامه همراه با تحایف که از طرف موسسه ورلدویژن ، موسسه CHA و ارگان ملی جوانان غور تهیه شده بود به قابله های ممتاز که فعالانه و صادقانه کار کرده بودند توزیع و اهدا گردید.

- جلسه سکتوری صحت تحت ریاست دو کتوریگانه با اشتراک موسسات ذیربط ، رئیس سکتوری ، تیم مدیریتی صحتی (PHO) رئیس شفاخانه ، نماینده ریاست RRD ریاست معارف و تیم PRT در ریاست صحت عامه برگزار گردید و روی پروژهای صحتی و مشکلات نداشتن آب صحتی نوشیدنی بحث و تبادل نظر صورت گرفت .

گزارشگر تیمور شاه احمدی

دوست رئیس...

همویخن قاق نخ‌ی ره که به کاکایت آورده بودم بیار! دخترک یخن قاق را باخلطه ی پلاستیکی چای الکوزی به دستم داد. بسم الله گفتم وسوارشدم، حالا یک اندل، دواندل، سه اندل ... خدارا شکر آخر روشن شد حرکت کردم.

... زنگ دروازه را فشار دادم، بعد از حدود ۵ دقیقه درواز شدوظلفی که بین سنین ۸- ۹ سال می نمود با عینک های دودی، بلوز سبزره دار نیمه آستین وشلوار لی مقابلم قرار گرفت.

تبسم کنان گفتم: سلام جان کاکا چطوری؟ مانده نباشی، آقاجانت خانه اس؟ طفلک بدون آنکه بامن پیش آمدی کند، رویش را برگرداند وصداکرد:

«آقاجان! مادرجان! یک کاکاگک است آقایمه پرسیان میکنه» کلکین اتاق که روبروی دروازه قراردادشت بازشد ودوستم که خیلی دلم دراشتیاقش می تپید، سرش را بیرون کرد وگفت «اگه چیزی میخواهد به سلیم بگوبریش پوزه بته ورخصتش کنه!»

صداکرم: سلام پادشاگل خان! منم بخاطر دیدار واحوالپرسی آمده ام، اجازه است که به قدم بوسی شما مشرف شوم؟!

بعد از تلاشی دقیق ودست مالی به سرین وسینه ام توسط گارد دم دروازه وارد اتاق شدم. همه چیز تغییر کرده بود. قالین های ترکی، پرده های حریری، گل های رنگارنگ، تابلوهای زیبا وتوشک های مخمل جذاب.

پادشاه گل با لباس های ریاست و رسمی اش واقعا خیلی شیک به نظر می رسید؛ وهمچنان تفنجه مودل سابق که به داخل پوش تفنجه های اصیل ومودل با لا جابجا شده بودودرقسمت بازو وران چپش آویزان بود در زیبایی استایل اش می افزود، اما پیشانی ورنگ رویش نشان ازخستگی ومریضی مزمنی داشت. وقتی به طرفم آمد پیاله جای سیاه به پایش خورد وچپه شد، احساس کردم که چشم های دوستم هم ضعف پیدا کرده است.

بدون اینکه مرا درآغوش بگیرد صورتم را بوسه زند، سردستش را بدستهایم داد وگفت: «بفرمایید- بفرمایید، بنشینید، خسته نباشی!» نشستم، بعد ازآنکه دوستم مختصرا به یک دوپرسشم پاسخ گفت وچندباز پیشانی اش را بادست چپ کش کرد، یکی آمد وازترموسی که همانجا بالای صفره گذاشته بود، یک پیاله پر کرد وبسا بشقاب پیش رویم گذاشت. واقعا چه بساطی وچه چایی!!

کشمش میگه مره بخور، نخود میگه مره بخور، همین طور پسته، خسته، کلچه، سیب، مالت، کشته ی کمینج وکیله ی خارجی مثل دانه های گل آفتاب گردان ازداخل قاب به طرف آدم می خنده.

من که هیچگاه درتمام عمر با اینگونه چای ها برنخورده بودم، با عجله ودست پاچه گی شروع کردم به خوردن ودرحالیکه هاله ی ازنرمه نخود وکلچه مانند دایره حلال بزکشی به دورلبانم نقش بسته بود سر صحبت را کم کم بازکردم وگفتم: این طور که معلوم میشه ماشالله شما بجای رسیده اید؟! خدارا شکر میکنم، حتما غم برادر تان را هم یک رقم نی، یک رقم میخورین؟!

پادشاه گل خودش را جا بجا کرد، گلولی تازه نمود وچنین ادامه داد: «... واقعا کسانی که زحمت می کشند، مثل ما بالاخره به جای می رسند. شما خو همیشه پشت کاهای بدون منفعت سرگردان هستید، اما من بعد از آنکه چندوقت با قوماندان صاحب رنگین شاه کارکردم، اونها لطف کردند وبرای من منظوری ریاست"مصارف وتدارکات" را گرفتند وحالامن رییس هستم. چون آدم با وجدان هستم شب وروز شدیدا مصروف می باشم، گاهی با کامپیوتر وگاهی با قلم کار میکنم به همین خاطر است که از چشمانم کمی احساس ضعف میکنم (شمانامردا خو مرد یک دسته گل هم نشدین!) هرچند مصرع" مارا به این گیاه ضعیف این گمان نبود" دفعتا به ذهنم آمد، بازهم محافظه کار ی کردم وگفتم: رییس صاحب حتما به خاطر دارند که بنده در این شهر نبودم ودیروز آمده ام. ازجانب دیگر" مامور ومعذور" گفته اند، ما مزدور مردم بودیم ومتاسفانه نتوانستیم که زود تر از این خبر شما را بگیریم.

بخن قاق را با پلاستیک ودسته گل به طرف پسرش پیش کردم وگفتم: برگ سبز تحفه درویش. درحالی که پسرک شانه هایش را بالا انداخت با کمی تحقیر آن را از دستم گرفت وبدون اینکه تشکری کند ازاتاق خارج شد.

بعد ازچند لحظه متوجه شدم که پادشاه گل واقعا نا آرام است وبسیار می تپد. چون دوست سابقم بود دلم برایش می سوخت گفتم: شما کمی مریض رقم به نظر می رسید، چطوره که با قبول زحمت غرض مشوره وتداوی به کدام داکتر مراجعه کنیم؟!

وقتی او پیشنهادم را پذیرفت راهی معاینه خانه شدیم. اول ازهمه پیش داکرچشم رفتیم. داکتر بعد ازمعاینه چشم هایش به من گفت: «مریض شما ضرورت به چیک عمومی داخله دارد، باید بعد از گرفتن نظر داکتر داخله پیش من بیایید تا عملیاتش کنم بخاطرکه چشمانش آب سیاه تا کرده وپرده اش هم ضخیم شده»

به داکتر داخله مراجعه کردیم، مریضان دیگردد، رییس را خازج توبت اجازه دادند! داکتر بعد ازمعاینه دقیق دوپوزه به لابراتوار ویک پوزه به داکتر جراحی حواله داد.

اول به داکتر جراح مراجعه کردیم. وی بعد ازمعاینه به پشت پوزه نوشت: «مریض بخاطر افراط درموتور سواری به بواسیر مصاب شده باید هرچه عاجل عملیات شود.»

پوزه دیگر را به شعبه معاینه داخلی معده (ایندوسکوپ) بردیم. داکتر به دقت معاینه کرد وگفت: «مریض شما معده اش کاملا ازببین رفته است؛ زیرا غذاهای

صرف کرده که با معده اش نا آشنا بوده، باید عملیات شود وبجای معده اولی معده ی دیگری جا بجا شود تا با این غذاها آشنا باشد.»

پوزه آخری را به شعبه معاینات قند خون وادرار بردیم. پیش ازآنکه وارد اتاق شویم پادشاه گل روبه من کرد وگفت: «اگه همه معاینات مثل قبلی ها راست می گویند، نباید به این شعبه برویم. میتروسم که تمام رازها ازخونم افشاء شود. می فهمی رفیق؟! من دراین مدت کوتاه راه صد ساله را یک شبه طی کرده ام.» درحالیکه خنده ام گرفته بود گفتم؛ دوست عزیز این معاینه مرض است (وبرای تداوی می باشد) معاینات جرم شناسی یا (کریمنالوژی) نیست که به همه چیز پی ببرد.

داخل اتاق شدیم، داکتر بعدازگرفتن نمونه خون وادرار پس ازحدود یک ساعت انتظار به من گفت: «مریض شما به خاطر استفاده زیاد وبی مورد از غذاهای مقوی وپروتینی ونکردن کار وپیاده گردی، قند خونش بالا رفته وباید به خاطر تصفیه خونش به خارج از کشور رجعت داده شود.»

بدون اینکه دیگر به داکتران مراجعه کنیم یک راست به خانه شیخ تعویذات رفتیم. تعویذ نویس وقتی که نام خودش ومادرش را پرسید، کتابهایش را که غالبا توسط پوست حیوانات مجلد شده بودند، باز کرد وگردهایش را تکان داد وپی هم ورق میزد تا جایی را که کاغذی را درآنجا گذاشته بود پیدا کرد وبعد از جابجای عینک های ته گیلای وبند نخ‌ی اش مکشی کرد وگفت: «ایشان جن دارند، درصورتی که مدت چهل شبانه روز پیش من بمانند وهر روز دوقطه مرغ خانگی سیاه بریان شده با روغن شمع، یکی صبح ویکی شام صرف کنند، حتما صحت یاب می شوند.»

پادشاه گل با عصبانیت وفریاد با کلمات شکسته داد زد: «من مدت دوماه می شود که رییس"مصارفات وتدارکات" شده ام بهتر از این ها خورده ام، حتا حق تمام پرسونل را استفاده کرده ام، شما چه میگین؟!»

با ناامیدی وقهر از این در، هم بیرون شدیم. دوستم را بخانه اش رساندم وموتر سیکل غراضه ام را روشن کردم وشام ملا آذان خسته ومانده به خانه رسیدم.

برای علاج پادشاه گل خیلی ناراحت بودم. یادم آمد دیوان حافظ را بگشایم وبه نیت شفای دوستم تفعالی بزنم. چشمانم را بستم کتاب را باز کردم وبالای یکی از خطوط گذاشتم، وقتی دوباره چشمانم را بازنمودم با تعجب دیدم که نوشته بود: «برو، نمرده به فتوای من نماز کنیدی!»

نقش نهادهای

فرهنگی و...

اهمیت وماهیت جریان ها ونهادها ی فرهنگی ومدنی فعال باید ازطرف زمام داران امورواقشارجامه درک شده وازنقش وموثریت شان بخاطررشد علمی واجتماعی قدردانی صورگیرد نه اینکه حرف شان وحضورشان رادرجامعه تحت عناوین گوناگون خداناخواسته به انزوواسانسوربکشانند،تجربه کشورهای متمدن جهان نشان داده است که هیچنوع پیشرفت وتکامل درجامعه بدون اشتراک وسهم گیری کدرهای علمی،نهادهای فرهنگی،مدنی،جوانان متعهد وانسانهای بادرک وصادق ممکن نیست.

درجوامع که ازطرف مسئولین امور به نقش نهادهای فرهنگی ومدنی فعال که درعرصه حقوق انسانی وشهروندی مسئولانه کارمینمایند توجه جدی صورت نمیگیرد بدون شک این مسئولین ودستگاه مربوطه آن حتما ازخلاقانو نی ونقض حقوق انسانی که مرتکب شده ومیشوند برخوردارهستند ونمیخواهند این نقص وعیب شان توسط کدام نهاد ویافردبه مردم آشکارگرددازهمین سبب است سعی وتلاش میورزند که یکنوع فشارمستقیم ویاغیرمستقیم را به عنوان مانع ازافشای حقیقت درپیشروی نهادهای فرهنگی ومدنی قراردهند وجلورشده شان را سد نمایند.

تحقق عدالت اجتماعی،تامین منافع ملی وحقوق شهروندی درپرتوآزادی بیان وآزادی گردهمای ها وتشکل نهادهای حقوق بشری،فرهنگی ومدنی تجلی شده میتواند وبس.ونهادهای فرهنگی ومدنی بادرک رسالت اسلامی، ملی،اجتماعی وانسانی خوددربرابرنابسامانی ها،عنعنات ناپسنداجتماعی، تعصبات وتبعیضات مختلف که جامعه رابه طرف هلاکت وعقب ماندگی سوق میدهدمبارزه کرده وتلاش میورزند تاوحدت ملی،عدالت جتماعی،دموکراسی،ازادی بیان ورشداقتصادی،فرهنگی وسیاسی که نیازحیاتی هرسرزمین، مردم،انسان وشهروند است درجامعه وروی زمین خدا(ج) به قسم متوازن وعادلانه پیاده وحکم فرماگردد.

رویا

بیکاری

خیال خام

غلام محمد نقشبندی

مدام الوقت بیکاریم کجارویا اثر دارد
توقع بیش ز حد داریم کجارویا اثر دارد
کجاییکار آباد کردویا اسفالت یک شهر را
به سال پنج فصل بیکاریم کجارویا اثر دارد
هزار و پنجاه افغانی اضافه خرج به بازاریم
ز شام تا صبح بیداریم کجارویا اثر دارد
به شهر اسفالت نخواهد شد تورنجر دار، ماییکار
ز گرد و خاک بیماریم کجارویا اثر دارد
زیبکاری به غم ماندم چه حاصل گر کنیم فریاد
زمژگان سیل خون باریم کجارویا اثر دارد
به کرسی گرنشستیم ماز خون ملت بیکار
به پول مامست و سرشاریم کجارویا اثر دارد
ز اتفاق نگوئیم روز که دارد نقص به قاچاقبر
ز اتفاق بیزاریم کجارویا اثر دارد
بمیر غریب سزای تو، من و کرسی و این موتر
گویا در شهر بلغاریم کجارویا اثر دارد
ماهه دوهژ بریم به خون دندان مارنگ است
به مثل گرگ خون خواریم کجا رویا اثر دارد
ندارد فایده بیکاری و یا خیال خام هیچ وقت
زنقشبند شنیدیم ما کجا رویا اثر دارد

پانزده حوت

۱۳۸۷

تازه های صحت

تهیه کننده عثمانی

در موتر خود نخوابید!

توکیو - خوابیدن در موتر به مدت طولانی موجب ایجاد لخته خون و بیماری کشنده آمبولی ریوی (بسته شدن رگ) میشود.
به گزارش پایگاه اینترنتی روزنامه یومیوری ژاپن، پزشکان ژاپنی با بررسی ۶۹ نفر به روش سونوگرافی دریافتند، در ۲۱ نفر آنان خون لخته شده در ساق پا وجود دارد که در یکی از آنان این لخته موجب آمبولی ریوی شده بود.
درد و نفر دیگر لخته های خون در سیاه رگهای عمقی پا تشکیل شده بود که تشکیل این گونه لخته ها با خطر آمبولی ریوی همراه است.
این سه نفر بیش از یک هفته در موتر خود بسر برده بودند.
لخته خون در سیاه رگهای پا معمولاً متعاقب عدم تحرک طولانی مدت یا بعضی بیماری ها از جمله سرطان ها یا مصرف بعضی داروها اتفاق می افتد.
خطر اصلی این لخته ها جدا شدن آنها و حرکت به سوی قلب و شش هاست که در آنجا متوقف می شوند و این وضعیت با مختل کردن خون رسانی بافت شش و از بین رفتن آن می تواند سبب مرگ شود
غبار روی صفحه ما نیتور خطرناک است!

غبار روی صفحه مانیتور و تلویزیون سمی ترین و آلوده ترین غبارها است. پژوهشگران معتقدند، غبار روی مانیتور کمپیوترها دارای مواد شیمیایی موثر در بروز عارضه های گوناگون از قبیل اختلال در تولید مثل و بیماریهای عصبی است که می تواند بسیار خطر آفرین باشد. این غبارها در مانیتورهای صفحه مسطح یا در اصطلاح فلت (flat) بسیار سمی تر است. پژوهشگران توصیه کردند کمپیوترکاران از تماس دست با صفحه مانیتور خودداری کنند یا یک روز در میان صفحه آن را با دستمال مرطوب پاک کنند.

جستجو در اینترنت قدرت مغز را افزایش می دهد!



پژوهشگران می گویند جستجو در اینترنت باعث افزایش قدرت مغز می شود. پژوهش های انجام شده در دانشگاه کالیفرنیا لس آنجلس نشان می دهد که کار کردن و جستجو در اینترنت در افراد میان سال باعث قدرت مغز آنها میشود.

شهر وندان عزیزا

- ❖ مقالات چاپ شده فقط نظریات نویسنده گان است نه از جام
- ❖ ماهنامه جام درویرایش خود را محق میداند.
- ❖ مطالب ارسال شده مسترد نمیگردد.
- ❖ نظریات و پیشنهادات سازنده شما راه کشای راه ما ست .
- ❖ از همکاران قلمی که مطالب خود را به ما ارسال کرده اند سپاسگزاریم (وزره ماهنامه جام)

مدیر مسئول: حامد الله دادفر ۰۷۹۷۰۳۱۵۱۶ dadfar@gmail.com--

سردبیر: گل احمد عثمانی osmany786@gmail.com--0797026508

معاونین سردبیر: برهان الدین علوی

ویراستار: فضل احمد امینی

گزارشگران: تیمورشاه احمدی (۰۷۹۷۱۸۵۰۶۹) و گل آقا احمدی

طرح دیزاین: خان محمد سیلاب

هیات تحریر: استاد فایق عبدالستار سنجر، استاد محبوبی، محمد ناصر انوری و عطا محمد محمدی

تیراژ: ۳۰۰۰

آدرس دفتر: ولایت غور مرکز چغچران